

رمزپردازی و نشانه‌شناسی افسانه‌های هفت پیکر

تألیف:

مریم بیدمشکی

سرشناسه: بیدمشکی، مریم، ۱۳۴۴ -

عنوان قرارداد: هفت پیکر، شرح.

عنوان و نام پدیدآور: رمزپردازی و نشانه‌شناسی افسانه‌های هفت پیکر / تألیف: مریم بیدمشکی.

مشخصات نشر: مشهد: سخن گستر، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص.

شابک: 0 - 072 - 247 - 600 - 978

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابخانه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: نظامی، الیاس بن یوسف، ۵۳۰ - ۶۱۴ ق. . هفت پیکر - - نقد و تفسیر.

موضوع: سمبولیک (ادبیات)

موضوع: اساطیر در ادبیات

شناسه اثر: نظامی، الیاس بن یوسف، ۵۳۰ - ۶۱۴ ق. . هفت پیکر، شرح.

رده‌بندی کنگره: ۸۱۳ / ۹ پ / ۵۱۳۱ PIR

رده‌بندی دیویی: ۲۳ / ۱

شماره کتابشناسی ملی: ۶۸۸۲۶۹



انتشارات سخن گستر

مشهد - خیابان ابن سینا - بین ابن سینای ۶ و پاساژ - شماره ۱۷۴

تلفن: ۸۴۳۹۹۵۵

Sokhangostar76@gmail.com

نام کتاب: رمزپردازی و نشانه‌شناسی افسانه‌های هفت پیکر

تألیف: مریم بیدمشکی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۱

چاپ: هما

قیمت: ۶۸۰۰ تومان

شابک: ۰ - ۷۲ - ۲۴۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸

فهرست گفتارها

سخن نخست ۱۱

بخش یکم

قصه چیست؟ ۱۶

زاد یافتگی باورهای قومی در قصه ها ۲۶

رازوری و رازآموزی قصه ها ۳۲

بخش دوم

نمادینگی و سپند بودن شماره ی هفت در هفت پیکر ۴۰

قلب هفت اقلیم ۵۱

هفت روز ۶۲

هفت رنگ ۶۶

بخش سوم

هفت پیکر ۸۶

بخش چهارم

درنگی بر بودش زمینی و بر شدن آسمانی بهرام ۱۰۲

بخش پنجم

۱۱۶	افسانه‌ی نخست (کیوان)
۱۵۷	افسانه‌ی دوم (خورشید)
۱۸۱	افسانه‌ی سوم (ماه)
۲۰۰	افسانه‌ی چهارم (بهرام)
۲۱۳	افسانه‌ی پنجم (تیر)
۲۲۵	افسانه‌ی ششم (اورمزد)
۲۳۹	افسانه‌ی هفتم (آناهید)
۲۵۵	فرجام سخن
۲۵۷	تصاویر
۲۵۹	نام‌نما
۲۸۳	کتاب‌نما

ای برآورنده‌ی سپهر بلند
انجم افروز و انجمن پیوند
هستی و نیست مثل و مانندت
عاقلان جز چنین ندانندت
نام تو کابدای هر نام است
اول آغاز و آخر انجام است
به یک اندیشه راه بنمایی
به یکی نکته کاربگشایی
غرضی کز تو نیست پنهانی
تو برآور که هم تو می دانی
من سرگشته را ز کار جهان
تو توانی رهاند، باز رهان

سخن نخست

این چنین قفل گران را ای ودود

کی تواند جز که فضل تو گشود

دنیای شگفت انگیز و ناگشوده‌ی هفت پیکر، دیر زمانی بود که اندیشه‌ی نگارنده را به کاوش در هزارتوی رازناکش فرا می‌خواند و سویه‌های جمالین و دلارای خود را هر روز بیش از پیش، به نمود و نظر می‌کشاند.

عشق به کشف پیشینه‌های دیرند و مایه ویران عزیز و باور داشت این فراز شایان توجه که یکی از راه‌های شکل‌پذیری هویت، به ویژه در نهاد جوانان این سرزمین، پرداختن به داشته‌های افتخار آمیز قومی و ملی ماست؛ نگارنده را بر آن داشت تا در آمیختگی عشق و وظیفه، نگاه خویش را متوجه‌ی هفت پیکر نماید؛ چرا که این اثر غنی و پرجاذبه که به باور نگارنده از ادبیات شفاهی ما بسیار تأثیر پذیرفته است؛ قابلیت آن را داشت که هفت پرده‌ی چشم و هفت لایه‌ی ذهن را با هم به کار گیرد و صور خیال انگیز آن را همراه با ژرفنایش آشکار کند.

اگر از چشم اندازه‌های چشم نواز و بدیع این اثر که با توصیفات ماهرانه‌ی نظامی، جان گرفته‌اند؛ درگذریم تا کنون کسی به نه توی راز آمیز آن، راه نگشوده

و شاید اصولاً کم‌تر کسی در آن عمقی می‌دیده است که رنج این سفر دراز و صعب را بر خود هموار سازد.

بدین لحاظ اگر چه تازگی و دست‌نخوردگی کار، راه‌ناهموار و پریچ و خمی را فرا روی قرار داده بود و آن را دست‌نیافتنی می‌نمود؛ اما شوق دانستن و عطش کشف، عاقبت پای به راهم کشید و سبب شد تا در یابش درهای نهانی و کشف پیوندهای معنایی، حظی را تجربه کنم که تا کنون نظیر آن را کم‌تر احساس کرده بودم.

بدین ترتیب، کار به فرجام رسید و طرحی که چند سال پیش، گرت‌هی آن در ذهن و ضمیرم نشسته بوده بار آمد.

و اینکه اگر چه نگارنده مدعی به نشر رسانیدن کاری پیراسته و به دور از خطا نیست؛ اما امیدش به رهنمودهای راهگشای استادان فاضل و دوستان مشفق است تا به یاری حق در پیرایشی مجدد، کاستی‌ها و نواقص آن را بزدایند.

شایان گفت است که در نگارش این اثر، با آن که از تصحیح‌های مختلف هفت پیکر بهره‌مند شده‌ام؛ اما ارجاع بیت‌های داخل متن، تماماً به تصحیح «حسن وحید دستگردی» است که به کوشش «سعید حمیدیان» به چاپ رسیده است. لذا برای سهولت کار تنها به ذکر صفحه اکتفا نموده‌ام. نیز در بیان «منسوبات کواکب» که ابتدای تحلیل هرافسانه آمده، واژه‌های پررنگ شده از مواردی است که در گشایش نمادها و رمز و رازهای مناسب آن افسانه به کار نگارنده می‌آمده‌اند. در بخش «هفت رنگ» نیز تنها به بیان مطالبی پرداخته‌ام که به رمزگشایی متن افسانه یاری می‌رسانده‌اند.

نکته‌ی دیگر آن که نگارنده هنگام استفاده از واژه‌های «قصه، افسانه و داستان» کاربرد علمی و اصطلاحی آن‌ها را مدنظر نداشته و این واژه‌ها را صرفاً به شکل مترادف، همان گونه که در محاوره‌ی عام بیان می‌شود، به کار برده است.

در پایان برخود فرض می‌دانم از استادان فرهیخته و فاضلم به ویژه جناب دکتر اشرف زاده که در طی به انجام رسانیدن این پژوهش در کمال گشاده‌رویی و بزرگمنشی، یار و یاور و هدایت‌گرم بوده‌اند؛ قدردانی نمایم. نیز از پژوهشگر معاصر آقای محسن میهن دوست که افتخار بهره‌مندی از دانششان را در زمینه‌ی آشنایی با افسانه‌ها و فرهنگ عامه‌ی ایران داشتم؛ بسیار سپاسگزاری می‌کنم. هم‌چنین از همکار گرامی، آقای عبدالله صادقی که با صرف وقت فراوان در ویراستاری متن، از بذل مساعدت دریغ نورزیدند؛ تشکر می‌نمایم. از دوستان ارجمندم سرکار خانم مژگان امیری و آقای جواد میزبان به سبب خواندن دست نوشته‌ها و ارایه‌ی پیشنهادهای ارزشمندشان، سپاس فراوان دارم.

مریم بیدمشکی

مهرماه ۱۳۹۰ خورشیدی